

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان منبر :

پنج ویژگی بهترین بندگان خدا در کلام امام رضا (علیه السلام)

استاد نظری منفرد



سامانه جامع محتوای تبلیغی بسته فرهنگی

[www.bastefarhangi.ir](http://www.bastefarhangi.ir)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ وَ سَبَبًا لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِيلًا عَلَى آيَاتِهِ وَ عَظَمَتِهِ ثُمَّ الصَّلَاةُ عَلَى حَبِيبِهِ وَ خَيْرَتِهِ حَافِظٌ سِرِّهِ وَ مُبَلِّغٌ رِسَالَاتِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اِبَالْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَهْلِيْبَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُتَنَجِّبِينَ الْهَدَاةَ الْمَهْدِيِّينَ وَ لَعْنَةُ الدَّائِمَةِ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

## خلق نیکو

رَوَى أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ، «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَ إِذَا أَسَأُوا اسْتَعَفَرُوا وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَ إِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَا». (مسند الامام الرضا عليه السلام ، ج ۱ ص ۲۸۴)

یکی از مسائل مهم در اسلام که تأکید فراوانی روی اون شده است اخلاق است اخلاق از جمله اموری است که اسلام تأکید فراوانی روی این مسئله کرده است و خواسته است مسلمان ها دارای خلق نیکو باشند پیغمبر خدا در یک بیانی فرمودند: إِنَّمَا بُعِثُ

لَأْتَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ (مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۱۸۷) من مبعوث شدم تا اخلاق پسندیده و اخلاق خوب را تمام بکنم یا در یک حدیث دیگری فرمود: عَلَيكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَنِي بِهَا؛ (الامالی (طوسی)، ص ۴۷۸؛ و طوسی همچنین در الامالی، ص ۵۹۶) بر شما باد به اخلاق پسندیده و پروردگار من امر کرده است من را به اون اخلاق پسندیده از نظر اهمیت اخلاق در اسلام شاید مرتبه دوم و سوم یا سوم را داشته باشد اول اصول اعتقادات ابتدا بایستی انسان از نظر عقائد و اون باورها خودش را اصلاح کند اون باورهاست که زمینه اخلاق پسندیده را در انسان به وجود می آورد اگر انسان باور به خدا و قیامت داشته باشد خلق خوبی خواهد داشت امانتدار است متعهد است خیانت نمی کند دروغ نمی گوید کار خیر انجام می دهد اون باورهاست که زمینه اخلاق پسندیده و کارهای خوب را در انسان فراهم می کند پس اولین مسئله باورهاست بعد از اون باورها اخلاق است شما در آیات قرآن کریم مکرر ملاحظه می کنید مسئله تزکیه را به شکل های مختلفی قرآن مجید مسئله تزکیه را مطرح کرده خدای متعال انبیاء را فرستاد هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ (جمعه: ۲)

تزکیه جایگاه والایی دارد جایگاه رفیعی دارد تزکیه در انسان از رسول خدا سؤال شد روز قیامت چه کسی به شما نزدیک تر است روز قیامت که هر کسی از کس دیگر فرار می کند روز قیامت روزی است که لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ؛ (عبس: ۳۷) قیامت روزی است که هر کسی به فکر گرفتاری خودش است هر کس به این فکر است که خودش را نجات بدهد نجات خودش او را مشغول کرده اما برخی از افراد فردای قیامت به رسول خدا نزدیک است سؤال شد از پیامبر روز قیامت چه کسی به شما نزدیک تر از دیگران است فرمودند: أَقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ؛ (تحف العقول ص ۴۶، شبیه این حدیث در بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۲، ص ۹۴، ح ۱۲) نزدیک ترین شما فردای قیامت به من اون کسی است که خلق خوبی داشته باشد اخلاق پسندیده ای داشته باشد همان طوری که خلق خوب در دنیا باعث می شود مردم به انسان اقبال می کند مردم با انسان انس می گیرند در قیامت هم همینطور هست امیرالمؤمنین (ع) در یک بیانی می فرماید: مِنْ لَأَنْتَ كَلِمَتُهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ؛ (تحف العقول: ۹۱، غررالحکم: ۷۹۴۱، بحار الأنوار: ۷۱ / ۳۹۶ / ۷۹؛ المناقب للخوارزمی: ۳۸۵ / ۳۶۸) و فیه «مودته» بدل «محبتته» کسی که زبانش یک زبان نرمی شد خشن نشد برخوردارش برخورد توأم با الفاظ خشن نبود لین بود با مردم نرم بود مردم مردم او را دوستش دارد وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ؛ می فرماید شبیه درخت اگر تنه درخت نرم باشد شاخه های فراوانی می زنه انسان هم همینطور است اگر انسان نرم شد خشن نشد با نرمی با مردم صحبت کرد مردم به او اقبال می کنند مردم دوش دارند به سراغش می آیند

## موقعیت اخلاق در اسلام

بنابراین موقعیت اخلاق در اسلام یک موقعیت روشنی است و جایگاه والایی دارد عرض شد بعد از مسئله اعتقادات مسئله اخلاق بالاترین درجه را در اسلام دارد و سفارش زیادی نسبت به اخلاق پسندیده شده است بنابراین ما به حول و قوه الهی در این لحظاتی که قرار است اوقات شما عزیزان را بگیریم موضوع بحث روایات اخلاقی است که از وجود مقدس آقا علی بن موسی الرضا (ع) به ما رسیده یکی از اون سؤال هایی که از حضرت شده و حضرت پاسخ دادند و مسائل اخلاقی را بیان کردند این حدیث شریف است که خدمتتون تقدیم شد از امام (ع) سؤال شد: سَأَلَنِي ابْنُ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ خَيْرِ الْعِبَادِ، «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَ إِذَا ابْتَلَوْا صَبَرُوا وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَوْا». از حضرت سؤال شد بهترین بندگان خدا چه کسی است سؤال بهترین بندگان خدا چه انسان هایی هستند آیا اون کسانی هستند که ثروت زیادی دارند اون بهترین انسان ها هستند بهترین

انسان ها کسانی هستند که از زیبایی اندام برخوردار هستند لقمان حکیم روایت دارد یک انسانی بود از نظر چهره گندم گون یا سیاه گون بود لقمان اما اینقد این انسان انسان بزرگواری هست که خداوند متعال در قرآن یک سوره به نام او قرار داده و می فرماید:

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ؛ (لقمان: ۱۲)

ما به لقمان حکمت آموختیم پس بهترین بندگان اون کسی نیست که اندام خوبی داشته باشه یا ثروت زیادی داشته باشه اینها نیست چیست بهترین بندگان بلال حبشی مؤذن رسول خدا بود اهل حبشه بود زبانش نمی توانست مخرج شین را ادا بکند اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را نمی توانست درست بگوید می گفت: اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ اما رسول خدا فرمود: اَسْهَدُ بِلَالٍ بَهْتَرَ مِنْكَ مِنْ دَوَابِّ الْأَرْضِ اَسْهَدُ دِيْغَرَانِ اسْتِ اَوْنِ اِخْلَاصِ اَوْنِ پَاكِي رُوْحِ اَوْنِ اِيْمَانِ اَسْهَدُ بِلَالٍ رَا بَهْتَرَ مِنْكَ مِنْ دَوَابِّ الْأَرْضِ اَسْهَدُ دِيْغَرَانِ كَرْدِ پَسِ نَيْسْتِ بَهْ اِنْدَامِ زِيْبَا بَهْ ثَرُوْتِ زِيَادِ

علم و عمل ای دوست به مایی و منی نیست

هر کس ببرش خرقة اویس قرنی نیست

خوبی به خوش اندامی سیمین زغنی نیست

هر شیشه گلرنگ عقیق یمنی نیست

حُسن آیت روح است به نازک بدنی نیست

## تزکیه

روح اگر یک روح باصفایی شد یک روح تزکیه شده ای شد قرآن بعد از چند تا قسم وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱) وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲) وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵) وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶) وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ (شمس: ۱ - ۹)

بعد از اون همه قسم و سوگند خدای متعال می فرماید: رستگار شد کسی که خودش را تزکیه کرد معنای تزکیه این است که صفات ناپسند را از خودش زدود خودش را از صفات ناپسند تطهیر کرد و صفات پسندیده اخلاق حمیده فضائل اخلاق را سعی کرد که کسب بکند مستحضرید که صفات پسندیده اخلاقی کسبی است انسان بایستی کسب بکند اینهارو خوشرویی را بایستی ممارست بکند کسب بکند بدون جهت خشم نکردن و غضب نکردن را با ممارست انسان بایستی کسب بکند یک امر کسبی است و همینطور راستگویی را بایستی با ممارست با ریاضت کسب بکند تا به تدریج زبان انسان عادت کند به راستگویی به صدق در گفتار باید کسب بکند امانتداری را باید کسب بکند وفای به عهد را باید کسب بکند تواضع و فروتنی را این اوصافی که اوصاف پسندیده ای اخلاقی است اینها تمام امور کسبی است اموری است که بایستی کسب بکند به هر حال

پنج ویژگی بهترین بندگان خدا

از آقا حضرت علی بن موسی الرضا(ع) سؤال شد آقا بهترین بندگان خدا چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: کسی بهترین بندگان خداست که پنج تا ویژگی داشته باشد پنج خصوصیت پنج خصلت و پنج ویژگی اگر شما در کسی یافتید او بهترین بندگان خداست

اول کسی که «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا أَسْتَبْشَرُوا؛ کسی که کار خوب می کند به خودش بشارت می دهد از کار خوب خوشش میاد انسان همیشه بایستی از کار خوب خوشش بیاد از نماز خوشش بیاد از روزه خوشش بیاد از انفاق خوشش بیاد از دستگیری مستمندان و تهیدستان و نیازمندان شاد بشود خوش آمدن از کار خیر هر کار خیری الان ظهر می شود نزدیک ظهر انسان اقامه نماز جماعت می کند نماز جماعت را در حرم مطهر آقا علی بن موسی الرضا(ع) می خواند خوشحال می شود من موفق شدم در جوار قبر علی بن موسی الرضا(ع) نمازم را انجام دادم فریضة الهی را انجام بدم خوشش میاد انسان از موفقیت ها تو زندگی انسان بایستی خوشش بیاد از نشانه های ایمان است و از علائم ایمان است که انسان وقتی کار خوبی را انجام می دهد از کار خوب خوشش بیاد فرمودند: خِيَارِ الْعِبَادِ؛

بهترین بندگان خدا یکی از ویژگی ها و خصوصیاتشون این است إِذَا أَحْسَنُوا أَسْتَبْشَرُوا؛ وقتی کار خوب انجام میدن به خودشون بشارت میدن از این موفقیت شاد هستند مسروراند خوشحال اند که یک کار خوبی را انجام دادند این یک ویژگی و ویژگی دوم فرمود: وَ إِذَا أَسَأُوا اسْتَغْفَرُوا؛ اگر احیاناً در زندگی لغزشی از آنها سر زد از آنها گناهی سرزد بلافاصله و بدون درنگ استغفار می کنند نمی گذارند گناه را تکرار کنند و به بعد بیانجامد بلافاصله استغفار کردن روایت دارد مؤمن اگر گناه کرد و بلافاصله استغفار کرد اون گناه از او بخشوده می شود و محو می شود بلکه نوشته نمیشه اگر سریعاً استغفار کرد استغفار از اون اموری است که خدای متعال در قرآن مجید امر بهش کرده مثل نماز و أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ؛ (هود: ۳)

استغفار کنید پیغمبر خدا استغفار می کرد روزی هفتاد مرتبه پیامبر استغفار می کرد می فرمود: إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَىٰ قَلْبِي وَ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً؛ (مستدرک الوسائل، محدث نوری ج ۵ ص ۳۲۰؛ صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، ج ۸، ص ۷۲؛ سنن ابی داود، ابو داود، ج ۱، ص ۳۳۹؛ المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیشابوری، ج ۱، ص ۵۱۱؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۷ ص ۴۴) نه پیامبر گناه کند پیامبر خدا معصوم است ما معتقدیم به چهارده معصوم رسول خدا اول معصوم است او گناه نمی کند اما فرمود: گاهی لَيُغَانُ عَلَىٰ قَلْبِي؛ یغان از غین است غین یعنی ابر گاهی یک ابری روی روح منو روی دل منو می گیره بر اثر تماس با مردم صحبت با مردم یک ابری ابر مختصری روی دلم را می گیره و إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ؛

من استغفار می کنم هر روز هفتاد مرتبه ما هم بایستی استغفار بکنیم بنابراین خصلت دوم از خصلت های بندگان خوب این هست که از کار بد و از لغزش آسائوا؛ وقتی کار بدی را انجام دادند استغفار کنند خوششون نیاد ادامه کار بد را یه وقتی یکی از خلفای مروانی عبدالملک بن مروان آمد از شام از دمشق آمد به حج حج را انجام داد بعد از طواف یک کرسی برای او گذاشتن داخل مسجدالحرام آمد رو این کرسی نشست رو کرد به اطرافیانش گفت من دوست دارم یکی از اصحاب رسول خدا را ببینم آن کسانی که پیامبر را دیدن مشاهده کردن آنها اصحاب رسول خدا هستند دوست دارم یکی از اصحاب پیامبر را ببینم هنوز اصحاب پیامبر زنده بودن حیات داشتن برید جستجو کنید در موسم حج است حتماً یه تعدادی از اصحاب رسول خدا به حج آمدن من اینارو ملاقات کنم یکی دو تا سؤال میخوام ازشون بکنم آمدن خدام او تو مسجدالحرام بیرون مسجدالحرام تو این مسعی محل سعی اطراف مسجدالحرام بود گشتن کسی رو از اصحاب رسول خدا پیدا نکردن برگشتن گفتن پیدا نکردی حالا یا اون سال به حج نیامده بودن یا مثلاً در اون ساعتی که ایشان مطالعه می کرد تو منزلشون بودن تو مسجدالحرام نبودن ایشان گفت حالا که از اصحاب رسول

خدا کسی رو پیدا نکردی بروید از تابئین اون کسانی که اصحاب پیامبر را دیدند از آنها اگر کسی را پیدا کردی بیاورید آمدن گشتن در مسجدالحرام یک شخصی به نام ابوحازم ابوحازم را پیدا کردن گفتن به او عجل امیرالمؤمنین گفتن خلیفه شما را خواسته گفت من کاری نکردم خلیفه منو نمی شناسه منم خلیفه رو نمی شناسم گفتم بله اما ایشون یکی دو تا سؤال کرده شما را یافتیم از تابئین بیائید پاسخ سؤالات ایشون بدید ابوحازم پذیرفت آمد پیش عبدالملک عبدالملک بن مروان به ابوحازم گفت مقصود از احضار شما یک سؤاله من یک مشکل روحی پیدا کردم در رابطه با اون مشکل روحی میخوام از شما یک سؤالی بکنم گفت چیه مشکل روحی شما گفت من یک حالتی پیدا کردم در زندگی هر چی کار خوب می کنم از کار خوب از عمل شایسته عمل صالح خوشم نیامد نماز می خوانم از نماز خوشم نیامد روزه می گیرم از روزه خوشم نیامد الان حج آمدم خوشم نیامد خوشحال نیستم از اینکه کار خیر می کنم برخی از افراد وقتی کار خیر می کنند کار خیر را یک بار سنگینی بر روی دوششون می دونند اما برخی از افراد کار خیر که می کنند از کار خیر لذت می برند یادمه یه وقتی از آقایون که یه تعداد از ایتم را تدارک می کرد به اینها می رسید ازش سؤال کردن شما بهترین وقت زندگیت کی هست؟

گفت وقتی که من میام تو این جمع یتیم ها می نشینم می بینم با هزینه من با پول من این ایتم نشستن دارند غذا می خورند من لذت می برم از این کار اونها دارند غذا می خورند من لذت می برم می بینم من توانستم یک تعدادی از ایتم را تدارک کنم به آنها برسم آنها را می بینم شکمشون سیر میشه یتیم هستند دستشون خالی است سرپرست ندارند

سوم: از کار خیر لذت می برد: من لذت می برم انسان مؤمن بایستی این چنین باشه انسان مؤمن بایستی از کار خیر لذت بیره همیشه انسان لذت نبره اتفاقاً تو روایات هست لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ، وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ؛ (من لا يحضره الفقيه ج ۲) روزه گرفتن در تابستان روزهای بلند هوای گرم کار سختی است انسان هفده ساعت هیجده ساعت گرسنه بماند هم تشنگی هم گرسنگی اما لحظه افطار که می شود نزدیک غروب یک فرحی یک شادی بر انسان حاکمه میگه خب الان رفع عطش می کنم آب می خورم غذا می خورم روایت دارد روزگار دو مرتبه شاد میشه یک مرتبه هنگام افطار است که آب می نوشه رفع عطش می کند غذا می خورد سیر می شود و یک مرتبه هم عِنْدَ لِقَاءِ؛ وقتی خدا را ملاقات می کند دو تا شادی داره روزه دار عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَ عِنْدَ لِقَاءِ؛ یکی لحظه افطار که آب می نوشد رفع عطش می کند سیر میشه از غذا لذت می بیره یکی هم اون لحظه ای که خداوند متعال را ملاقات می کنه.

چهارم: مردم از او در آسایش هستند: بنابراین انسان بایستی از کار خیر خوشش بیاد کار خوب و عمل خوبی که انجام میده انسان بایستی از کار خوب و شایسته خوشش بیاد اما ایشون عبدالملک بن مروان به ابوحازم گفت من اگر کار خیر انجام میدم خودم از کار خیر خوشم نیامد و هر کار زشتی انجام می دهم تو زندگی از کار زشت هم بدم نیامد دروغ میگم بدم نیامد غیبت نمی کنم ناراحت نمیشم گناهان دیگر انجام میدم ظلم می کنم به مردم اذیت می کنم دیگران را بعضی از افراد هستند تو جامعه اساساً دوست دارند دیگران را به زحمت بیاندازد تو مواقع مختلف زندگی گاهی داره رانندگی می کنه تو رانندگی به فکر این است که راننده دیگر را اذیت بکنه این حرام است ایذاء دیگران میگه بذار دیگری رو اذیت بکنم خوشم میاد از اذیت دیگران این خلق اسلامی نیست مسلمان کسی است که وسیله آسایش دیگران را فراهم بکند نه دیگران را به زحمت بیاندازد گاهی ما بعضی از انسان ها با حرفمون با سخنمون دیگران را ناراحت می کنیم گاهی با عملمون دیگران را ناراحت می کنیم حالا با عمل هر چه گاهی با یک نگاه طرف را ناراحت می کنیم گاهی با یک سخن دیگری رو ناراحت می کنیم الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ؛ (نهج الفصاحه)

فرمود مسلمان کسی است که مسلمان ها از دست او از زبان او آسایش داشته باشند و سالم بموندن مشکلی به آنها نرسه مسلمان این هست باید انسان تو زندگی بنا را بر این بگذارد بنا بگذارد که خیرش به دیگران برسه نه شرش به دیگران برسه این اصل است

تو زندگی خیر انسان بایستی به دیگران برسه نه شر انسان به دیگران برسه عبدالملک بن مروان به ابوحازم گفت من هر چی کار بد انجام میدم کار ناپسند انجام میدم از کار بد و ناپسند بدم نیماذ ظلم هم می کنم بدم نیماذ دستور میدم دیگران را زندان کنم بکشم هیچ ناراحت نمیشم ظلم و ستم به دیگران انسان را ناراحت می کنه انسان مؤمن وقتی که به دروغ میگه می گوید ای کاش نگفته بودم یا غیبت می کند می گوید ای کاش این غیبت را نکرده بودم بلافاصله استغفار می کند.

اما آدم وقتی به اینجا رسید مثل این شخص گفت من هر چه کار خیر می کنم از کار خیر خوشحال نمی شوم و هر زشتی در زندگی انجام می دهم از زشتی هم ناراحت نمی شوم پیداست این روح بیمار شده این روح مریض است همینطوری که بدن انسان دچار بیماری می شود گاهی روح انسان دچار بیماری می شود روح میشه بیمار اگر انسان توانست روح بیمار را علاج کند و سلامت روح پیدا کند این انسان می شود یک انسان خلیق یک انسان با اخلاق بد در حقیقت یک بیماری روحی و بیماری روانی است در انسان باید اینو انسان معالجه بکند به ابوحازم عبدالملک بن مروان گفت من از کار خوب خوشم نیماذ و کار زشت و ناپسند هم منو ناراحت نمی کند گفت من درد شما را فهمیدم اما دردها دو جور است بعضی از دردهاست که قابل معالجه است پزشک وقتی درد را تشخیص داد براساس تشخیص خودش داروی مناسب با اون درد را نسخه می کنه و به بیمار می دهد که اون بیمار عافیت پیدا کند و سلامت خودش را بازیابد و گاهی هم بیمار به گونه ای هست که قابل معالجه نیست پزشک می گوید من نمی توانم معالجه کنم ابوحازم به عبدالملک مروان گفت من نمی توانم تو را معالجه کنم کار از کار گذشته الآن تکامل فیک موت القلب؛

گفت کاملاً دلتو مرده تو دل مرده ای مرده را دیگه نمیشه زنده کرد کاملاً دل مرده وقتی تو از کار خیر خوشت نیماذ و از کار زشت و بد ناراحت نمی شوی پیداست دل مرده ای دل مرده را انسان چطور میتونه زنده بکنه قرآن مجید به پیامبر می فرماید: إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وُلِّوْا مُدْبِرِينَ؛ (نمل: ۸۰) پیامبر مرده را که نمی توانی تو سخنی به او بگویی و او بشنود إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى؛ گاهی انسان اینطور می شود موعظه دیگه در او تأثیر نمی کنه سخن خوب را بهش توجه نمی کنه می گوید حوصله اینکه بنشینم موعظه گوش کنم انسان نیازمند به این هست که گاهی بنشینم موعظه گوش بکند سخن حق را بشنود فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ (زمر: ۱۸) این دو تا صفت از صفت های اخلاقی خوب و پسندیده ای که امام هشتم آقا علی بن موسی الرضا(ع) در این حدیث فرمودند: نشانه بندگان صالح خدا نشانه خیار العباد است بقیه اوصاف ان شاء الله در جلسه بعد خدمت عزیزان عرضه خواهیم داشت السلام علیک یا أبا عبدالله.

## ذکر مصیبت

روز بعد از اربعین امام حسین(ع) است و اربعین اهل بیت آمدن کربلا و وقتی آمدن کربلا جابر هم در کربلا بود فوافو فی الوقت واحد؛ همزمان با هم رسیدن و أقاموا علی ماتم؛ خیلی تعبیری که مرحوم سید در لهوف دارد تعبیر عجیبی است ماتمی رو و عزایی رو کنار قبر امام حسین برپا کردن که جگر را جریحه دار می کرد کبد را می سوزاند آمدن کنار قبر من از جابر نکاتی را عرض بکنم با عطیه عوفی جابر آمد می گوید عطیه دیدم جابر گفت منو ببر کنار فرات او را بردم کنار فرات با آب فرات غسل کرد و لباس های خودش را درآورد لباس های دیگری را شبیه کسی که محرم می شود لباس پوشید و نفر سعد سعد یک عطری بوده در گذشته سعد کوفی به خودش ریخت و گام ها را که برمی داشت به طرف قبر ابی عبدالله گام ها را کوچک کوچک برمی داشت یعنی آهسته راه می اومد گام بلند قدم بلند بر نمی داشت چون بر هر گامی بر هر قدمی ثواب تا رسید کنار قبر ابی عبدالله عطیه می گوید جابر به من گفت: یا عطیه المسنی؛ دست من را بگذار رو قبر امام حسین من دست جابر را گذاشتم روی قبر امام حسین سه مرتبه

صدا زد حبیبی یا حسین(۳) حبیب لا یحیی حبیبه یا ابا عبدالله من جابرم پیرغلام شما خانواده هستم چرا جواب منو نمیدی غش کرد بی هوش شد عطیه آمد از فرات آب برداشت به صورت جابر زد جابر به هوش آورد صدا زد و إما لک بالجواب؛ به خودش خطاب کرد جابر تو از حسین جواب می خواهی ولقد فرقه بین جسده و رأسه؛ مگر نمی دونی حسین سر در بدن نداره

الجِسْمُ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءَ مُضَرَّجٌ وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاءِ يُدَارُ؛ مگر نمی دونی سر حسین به نیزه زدن صلی الله علیک یا ابا عبدالله.

نَسْتَلُّكَ اللَّهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ بَدْمَاءِ شُهَدَائِنَا وَ بِحَقِّ إِمَامِ زَمَانِنَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ وَ عَلَى مُحَبَّةِ الْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، الْهَيْ يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَالِيُ بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ يَا قَدِيمُ الْإِحْسَانِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ

خدایا سفر زائران امام حسین را بی خطر بگردان.

زیارت مارو خدمت آقا حضرت رضا(ع) مقبول قرار بده

سفر همه مسافران اسلام را بی خطر بگردان

امنیت را بر کشور ما مستدام بدار

امنیت را به بلاد اسلامی بازگردان

کشور ما نظام ما ملت ما رهبر بزرگوار ما را حفظ کن

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ